

## بررسی دلایل عصمت پیامبر و امامان

### از سهو و خطا و نسیان

#### مقدمه

فقط در محدوده تبلیغ دین نبوده است، یعنی آنان چه قبل از نبوت و امامت، و چه بعد از آن، در کلیه اقوال و افعال خود - خواه در انجام امور شخصی و عبادی و خواه در انجام امور اجتماعی و تبلیغات دینی - پیراسته از گناه و سهو و نسیانی و فراموشی و خطا و غفلت و هر رویکردی که موجب تنفر و اشمئزاز مردم قرار می گرفته، بوده اند.

آن چه در این مقاله مورد بحث قرار می گیرد، اثبات عصمت پیامبران و ائمه هدی از سهو و خطا و غفلت و بازگویی پیامدهای منفی عدم وجود چنین عصمتی در انسان در پرتو دلایل عقلی و نقلی

یکی از ویژگی های چشم گیر و برجسته پیامبران الهی و ائمه هدی علیهم السلام عصمت است. درباره این که عصمت - که يك نیروی بازدارنده از معصیت و خلاف است - فقط مربوط به دوران نبوت و امامت است یا پیش از آن را هم شامل می شود و نیز این که فقط در دایره تبلیغ احکام و شریعت است یا افعال و رویکردهای عبادی آنان را هم دربرمی گیرد، اختلاف نظر وجود دارد. طبق نظر اعظام از علمای شیعه امامیه، پیامبران و ائمه هدی علیهم السلام همواره از این ملکه برخوردار بوده اند و نیز این حالت آنان

است. (۱)

### ۱. مصونیت معصوم در پرتو

### معرفت عالی و علو روحی از خطاهای ادراکی و احساسی

با تأمل و غور در معنای اصطلاحی عصمت متوجه می‌شویم که با وجود چنین ویژگی‌ای در معصوم، وقوع سهو و نسیان و خطا و غفلت از او امکان ندارد. (۲) زیرا فرایند عصمت، نوعی معرفت عالی و حالت روحی است که هیچ‌گاه مغلوب و مقهور قوای ادراکی و احساسات نمی‌شود. و در هیچ وقت حتی در يك لحظه، در خواب یا بیداری، در رفاه یا سختی، تحت سیطره واردات قلبی و خیالات پست مادی قرار نمی‌گیرد. قوه عصمت، پیوسته مانند خورشیدی درخشان در دل و جان ولیّ خدا می‌تابد و نمی‌گذرد در وجود او نقطه تاریک و مبهمی وجود داشته باشد. (۳) در چنین حالی غفلت - که نوعی از خود فراموشی و ابهام و

قسمت پایانی مقاله هم در نقد و بررسی پاره‌ای از احادیث سهو رقم خورده است. بنابراین مقاله حاضر در دو بخش سامان یافته است:

۱. دلایل پیراستگی معصومان از سهو و نسیان و خطا و غفلت.

۲. بررسی آیات و روایاتی که ظاهر آنها حکایت از سهو و نسیان و غفلت شخص معصوم است.

### الف. دلایل پیراستگی معصومان از سهو و نسیان و خطا و غفلت

برخی از این دلایل شامل همه معصومان (پیامبران و ائمه هدی علیهم‌السلام) می‌شود و پاره‌ای از آنها فقط يك یا تعدادی از آنان را دربرمی‌گیرد. بنابراین، مجموع این دلایل در راستای زدودن شبهه سهو و خطا از معصومین می‌باشد که به ترتیب شماره مطرح می‌کنیم:

۱. لذا به اثبات اصل وجود عصمت و اختلافات علمای شیعه و سنی در این زمینه نظر ندارد.

۲. البته معصومین با اختیار خود از آفت‌های یاد شده و نیز گناه و بزهکاری پیراسته هستند، و این حالت، جبری نمی‌باشد.

۳. ر.ک: امام شناسی، آیت الله طهرانی، ج ۱، ص ۴۵-۴۴ (مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ).

می‌شود او پیراسته از این آفت‌هاست. (۴)

#### ۴. علت نیاز به پیامبر و امام و محذور دور و تسلسل

چون انسان جایز الخطا است و از مصالح و مفاسد همه کارهای خود در شرایط و حالات گوناگون آگاهی ندارد، نیازمند ارتباط با عالم غیب به واسطه معصوم است. اگر پیامبر و امام هم جایز الخطا باشند، به پیامبر و امام دیگری نیاز است تا موانع اشتباه و خطای دیگران گردند، و الا نمی‌بایست آنان بر سایر مردم ترجیح داده می‌شدند و رهبری و زعامت مردم را به طور مطلق عهده دار می‌گشتند. اگر پیامبر و امام بعدی هم جایز الخطا باشند، به دو رهبر دیگری که از این آفت پیراسته هستند، نیاز دارند. اگر این روند ادامه داشته باشد، تسلسل به وجود می‌آید که از نظر عقل باطل است. و چنانچه امام و پیامبر نخست به امام و پیامبر دوم محتاج باشد و امام و پیامبر دوم به امام و پیامبر

تاریکی است - و سهو و نسیان - که نوعی اختلال در قوای حفظی انسان و محو صورت علمیه است - چه گونه می‌تواند به ضمیر او راه یابد و گریبان گیرش شود؟ توانمندی عصمت و پرتو افشانی آن، چون هاله‌ای نورانی، صاحب خود را در بر گرفته، مانع وقوع ضلالت و خطا و فراموشی می‌گردد.

#### ۲. لزوم پیروی مردم در موارد خطا و اشتباه

اگر امکان داشته باشد معصوم دچار خطا و سهو و نسیان شود، و در عین حال دیگران مأمور باشند از او پیروی کنند، دستور غیر حکیمانه از خداوند صادر گردیده است. زیرا فرمان داده از فرد ساهی و خطاکار تبعیت کنیم. ولی چون رویکرد غیر حکیمانه از خداوند تعالی سر نمی‌زند، چنین دستوری نمی‌دهد. از سویی چون ما در هر حال و شرایطی به پیروی از معصوم دستور داریم، معلوم

۴. اصل این استدلال در کتاب التبییه بالمعلوم من البرهان فی تنزیه المعصوم من السهو والنسیان، ص ۱۱۰ مطرح شده است.

رسیده، خاطر جمع شد؟ و آیا دیگر می‌توان با قاطعیت گفت که مردم در پرتو عمل به احکامی که او به ما ابلاغ کرده، به قله سعادت نایل می‌شوند؟ و اصولاً آیا با وجود احتمال مشارالیه می‌توان واژه معصوم را بر چنین کسی اطلاق کرد؟<sup>(۷)</sup>

#### ۷. لزوم جلب اعتماد و یقین مردم

اگر خطا و سهو و نسیان را نسبت به پیامبر و امام جایز بدانیم، بایستی ایشان را از بیان شرع دور بداریم. چرا؟ چون مردم فقط در صورتی از معصوم متابعت می‌کنند که یقین داشته باشند احکام را صحیح بازگو می‌کند. ولی با فرض صدور آفت‌های یاد شده، چه گونه می‌توانند به بیانات او یقین پیدا کنند؟ و از سویی تنها راه برای آن که بدانند احکام الهی صحیح ابراز شده، عصمت بیان‌کننده احکام در گفتار و کردار است. و این چیزی جز دور باطل نیست و پیامد انتساب سهو و نسیان

نخست نیاز داشته باشند تا به سهو و نسیان و خطا گرفتار نشوند، دور به وجود می‌آید که آن هم از نظر عقل باطل است.<sup>(۵)</sup>

#### ۵. ملازمه عصمت در تبلیغ، با عصمت در عبادت

اگر صدور سهو و نسیان از معصوم در عبادت ممکن باشد در تبلیغ هم ممکن خواهد بود، زیرا میان این دو نمی‌توان تفاوت گذارد و آفت‌های مزبور را در یکی مجاز و در دیگری غیر مجاز و غیر ممکن دانست.<sup>(۶)</sup> زیرا دلیل محکمی در فرق میانشان وجود ندارد.

#### ۶. احتمال تغییر و تحریف احکام

اگر معصوم به سهو و خطا مبتلا باشد، این احتمال قوت می‌گیرد که احکام الهی را تغییر و تبدل نماید. آیا با این احتمال، دیگر می‌توان به صحت و سلامت احکامی که از ناحیه او به ما

۵. ر.ک: التنبیه، ص ۱۱۰.

۶. کسانی چون شیخ صدوق چنین عقیده‌ای داشته‌اند. (ر.ک: مقدمه رساله نفی السهو عن النبی ﷺ)، آیت الله شیخ جواد تبریزی، ص ۵ و ۶، دار الصدیقه الشهیده، چاپ اول، (۱۳۸۵).

۷. ر.ک: التنبیه، ص ۱۱۱.

به معصوم می‌باشد. (۸)

احتجاج نمود؛ چرا که در هر کدام از آنها احتمال آفت مزبور وجود دارد. اما از طرفی می‌بینیم که تمامی دانشمندان اسلامی وحدت نظر دارند که به سخنان و افعال پیامبر ﷺ می‌توان استدلال کرد و تفاوتی هم میان آنها نگذارده‌اند. بر پایه احادیث متواتری که به دست رسیده، ائمه اطهار ﷺ نیز به رویکردهای قولی و عملی رسول خدا ﷺ در قبال شیعه یا سنی احتجاج کرده‌اند. (۱۰)

### ۱۰. ملازمه وجوب تبعیت مردم از پیامبر و امام و عصمت او از خطا و سهو و نسیان

اگر رسول خدا و ائمه هدی ﷺ عملی را از روی غفلت انجام داده، دچار خطا شوند، یا پیروی از آنها در آن عمل واجب است یا واجب نیست. اگر واجب باشد، مردم هم به خطا و اشتباه مبتلا می‌شوند، و این با انتصاب آن بزرگواران - که به منظور هدایت امت بوده - منافات دارد. و اگر

### ۸. فقدان برتری بر دیگران، در صورت عدم عصمت در برابر خطا و نسیان

اگر وقوع سهو و نسیان و خطا و غفلت از معصوم امکان داشته باشد، محتاج دیگران خواهد بود<sup>(۹)</sup> تا از خطا و رویکردهای نادرست درامان بماند. در این صورت فضیلت و مزیتی نسبت به دیگران نخواهد داشت و مقام و منزلتش همسان مردم می‌شود، و دیگر دلیلی برای پیشوایی و رهبری او بر مردم باقی نمی‌ماند.

### ۹. تزلزل اعتبار سنت نبوی در صورت امکان صدور سهو و نسیان از او

اگر وقوع خطا و فراموشی از طرف رسول خدا ﷺ امکان داشته باشد، به هیچ یک از رویکردهای قولی یا فعلی حضرت نمی‌توان اعتماد و استدلال کرده بدان

۸. ر.ک: همان منبع، ص ۱۱۳.

۹. ر.ک: التنبیه، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۱۰. ر.ک: التنبیه، ص ۱۱۴.

این صورت دینه قتل بر آنان لازم می شود. در چنین فرضی آیا پیامبر و امام دیگر مقام و منزلتی میان امت خواهند داشت؟! و آیا در این صورت ولایتی بر مردم دارند؟ پاسخ منفی است. (۱۲)

البته این دلیل با دلیل هفتم قابل ادغام است.

## ۱۲. امکان امر به منکر و نهی از معروف

اگر معصوم، پیرامته از خطا و نسیان نباشد، ممکن است به جای امر به معروف و نهی از منکر، ضد آنها را مرتکب شود؛ تبهکاران را مورد احسان و نوازش قرار دهد و در مقابل، با کسانی که به طاعت الهی اشتغال دارند، به شدت برخورد نماید و هكذا. تمامی این پیامدهای فاسد از سهو و نسیان و امکان انتساب آن به معصوم ناشی می شود، پیامدهایی که فلسفه نبوت و امامت را ریشه کن می سازد و تباهی را جایگزین صلاح و سواد می کند و ...

واجب نباشد، با آیاتی که در آنها به پیروی بی چون و چرا از رسول خدا و ائمه هدی دستور داده شده، معارضه ایجاد می شود؛ مثلاً با آیه ۳۱ آل عمران: ﴿إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾ و آیه ۵۹ نساء: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>(۱۱)</sup>. و چون تالی های یاد شده باطل است، مقدم هم بایستی باطل باشد و پیراستگی مطلق معصومین از خطا و اشتباه و سهو و نسیان آشکار می گردد.

## ۱۱. خدشه دار شدن مقام پیامبر و امام در صورت خطا و سهو و نسیان

اگر پیامبر یا امام به سهو و فراموشی مبتلا باشند، ممکن است مال دیگران را غصب کنند و نیز حقی را که به ذمه شان می باشد، به بوتۀ فراموشی بسپارند. فراتر از آن این که احتمال دارد به اشتباه برخی از منکرات را مرتکب شوند، حتی فرد یا افرادی از مسلمانان را به قتل برسانند که در

۱۱. به اصل این استدلال در التنبیه، ص ۱۱۴ اشاره شده است.

۱۲. بسنجید با التنبیه، ص ۱۱۷-۱۱۵.

### ۱۳. تنافی سهو با اسوه بودن

در آیه ۲۱ سوره احزاب این حقیقت بازگو شده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾.

یعنی به طور قطع رسول خدا برای شما الگویی نیکوست؛ البته برای کسانی که به خدا و روز بازپسین امید دارند و الله را فراوان یاد می‌کنند.

به عبارتی دیگر آیه شریفه می‌فرماید: هر کس به مبدأ و معاد اعتقاد دارد، رسول خدا ﷺ بهترین راهنما و الگوی اوست.

چون آیه اطلاق دارد، الگو بودن پیامبر ﷺ را در هر حال و وضعیتی ثابت می‌کند. و با تمسک به اطلاق آیه باید گفت: کلیه احادیثی که به نحوی از انحاء ممکن است سهو و خطا را به آن بزرگوار نسبت دهد، باطل است. چرا که آیه جز در مواردی که در پرتو آنها احکام ویژه آن حضرت<sup>(۱۳)</sup> به اثبات رسیده، تقیید نخورده است. اگر صدور سهو و خطا از پیامبر ممکن باشد، لازمه‌اش این است که در آن موارد نیز پیامبر الگو باشد، در حالی که چنین امری غیر قابل قبول است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی